

**بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی
(مورد مطالعه: شهر و روستاهای کرمان)**

فاطمه سلطانیپور^۱

حسین آقاجانی مرسان^۲

علیرضا کلدی^۳

تاریخ وصول: ۹۶/۱۰/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۱۳

چکیده

هدف از این پژوهش، توجه به ساختار قدرت در خانواده و نقش تأثیرگذار آن بر میزان مشارکت اجتماعی در شهر و روستاهای کرمان در سال ۱۳۹۶ است. این پژوهش با روش پیمایش انجام شده است. با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه در شهر تعداد ۳۸۴ و در روستا ۱۱۸ خانوار است. محقق از نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی و از تکنیک پرسشنامه استفاده کرده است، پرسشنامه حاضر توسط پنج نفر از اساتید دانشگاه که بومی بودند تعیین روایی گردید و جهت تعیین پایایی با توجه به SPSS، پایایی ۰/۹۸ به دست آمد که نشان می‌دهد تحقیق پایا و قابل اجرا است. طبق نتایج پژوهش با توجه به آماره تی مستقل بین ساختار قدرت در خانواده در شهر و روستا تفاوت معنی‌داری وجود دارد، بدین صورت که در جامعه شهری ساخت خانواده متقارن نسبی و در جامعه روستایی ساخت قدرت به صورت یک‌جانبه و پدر محور بوده است که پیرامون آن مشارکت اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. طبق نتایج تحقیق مانند آنچه دورکیم درگذر از جامعه مکانیکی به جامعه ارگانیکی تأکید برافزایش انسجام دارد، در جامعه فوق هم هر چه از جامعه روستایی به سمت جامعه شهری پیش می‌رویم قدرت متقارن‌تر و برد بالایی از مشارکت اجتماعی را مشاهده می‌نماییم.

واژه‌گان کلیدی: ساختار قدرت، مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲- دانشیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

a_marsa1333@yahoo.com

۳- استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مشارکت اجتماعی یکی از نیازهای اصلی جامعه بشری در عصر حاضر است، درجه‌ی مشارکت اجتماعی و همکاری افراد، خانواده‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف یک جامعه در تداوم، رشد و توسعه آن اهمیت بسزایی داشته و حرکت جامعه به سوی نوسازی را تسهیل می‌کند. بنابراین مشارکت، احساس جدایی بین فرد و جامعه را تقلیل داده و حس تعاون، همبستگی و همکاری بین آحاد مردم را باهم مستحکم‌تر می‌کند. لازمه مشارکت ثمربخش، وجود تداوم در اراده‌ی جمعی و تلاش‌های فردی است و از همین جاست که نهادی کردن و اجتماعی نمودن مشارکت ضروری می‌نماید. اهمیت و جایگاه خانواده در نظام اجتماعی و ارتباط متقابل این نهاد با بسیاری از مسائل و دغدغه‌هایی که محور بحث جامعه‌شناسان و تحلیل‌گران اجتماعی است، موجب گردیده که همواره خانواده، به‌عنوان یک منبع مهم و عنصر کلیدی در مباحث و پژوهش‌های گوناگون مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۹۰). مشارکت اجتماعی ارتباط تنگاتنگی با ساختار قدرت در خانواده دارد؛ زیرا خانواده‌ها می‌تواند باتربیت کنشگرانی سالم عرصه مشارکت‌های اجتماعی را افزایش دهند.

با توجه به نقش و کارکرد اساسی مشارکت اجتماعی در سه سطح ایجاد شهروند برجسته، جامعه بهتر و شیوه حکومت‌گری مطلوب می‌توان به ارتباط تنگاتنگ مشارکت و مردم‌سالاری پی برد. از یک طرف مشارکت می‌تواند در بستر نظام‌ها و جوامع مردم‌سالار تحقق یابد و از طرف دیگر مشارکت به ایجاد یک جامعه مردم‌سالار کمک خواهد کرد. چراکه از طریق ایجاد شهروندانی برجسته و فعال و گسترش هنجارهای تعامل و تعاون میان افراد و همچنین شیوه‌های مطلوب حکومت‌گری به گسترش مردم‌سالاری یاری خواهد کرد. البته باید توجه داشت که مشارکت‌های آگاهانه، مستمر و پایدار که در یک جامعه نهادینه شده‌اند می‌توانند هدف فوق‌الذکر را تأمین کنند. کنشگرانی که چنین مشارکت‌هایی دارند در یک فرایند بازاندیشانه به بهتر شدن زندگی اجتماعی کمک می‌کنند. این نوع مشارکت بیشتر از آنکه از بالا و توسط حکومت تجویز شود ناشی از گروه‌بندی‌ها و شکل‌گیری اجتماعات خودجوش و داوطلبانه در میان اقشار گوناگون اجتماعی است. یک جامعه که از پایین به گسترش شبکه‌های اجتماعی دامن می‌زند همواره موفق‌تر از جامعه‌ای است که این عمل از بالا برای آن تجویز می‌شود. چگونگی شکل‌گیری فرایند مشارکت و نقش تسهیل‌کننده آن در پیشرفت و ترقی فردی و اجتماعی، علل و عوامل مؤثر بر فرایند مشارکت، ناپایداری و عدم اثرگذاری آن بر فرایند توسعه، آن را تبدیل به یک مسئله نموده است (ساروخانی و پناهی، ۱۳۸۵: ۳۳).

بررسی ساختار قدرت در خانواده از اهمیت اساسی برخوردار است، زیرا خانواده از جایگاه رفیعی در حیات اجتماعی برخوردار است چراکه از یک سو نخستین گروهی است که از آن برمی‌خیزیم و در درون آن با دنیا آشنا می‌شویم و از سوی دیگر، بیش‌ترین تأثیر را بر کودک که دوران اولیه حیات را می‌گذراند وارد می‌سازد و

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

این تأثیر تا پایان حیات پایایی دارد. سوم آنکه از روزنه حیات اجتماعی هرگز جامعه‌ای به سلامت دست نمی‌یابد، مگر آن که از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد.

از جهت دیگر، ساختار قدرت محور خانواده مانع ارتقای کیفی نسل جدید خواهد بود. جامعه جدید با پشت سر گذاردن پدر سری و مادر سری مطلق و تاریخی، با مسائل تازه‌ای در این حوزه مواجه است؛ نفی مطلق قدرت در خانواده، به‌عنوان آنتی‌تز پدر سری و مادر سری مطمح نظر است، این اندیشه که در نظر فمینیست‌های رادیکال مطرح شده است و با تولید نظریه زن-مرد یکسانی همراه است، فراهم آوردن نوع خاصی از خانواده را نوید می‌دهد که از آن بانام خانواده برابری یافته یاد می‌کنند، این اندیشه نیز خود نگرانی‌هایی را هم در عمل و هم در نظر پدید آورده است (ساروخانی، ۱۳۸۴: ۳۲). از این‌رو، بررسی و شناخت چگونگی توزیع قدرت در خانواده از اهمیت اساسی برخوردار است. از طرف دیگر، افرادی که در اجتماع فعالیت دارند، با توجه به نوع تربیت خانوادگی، حضور متفاوتی در عرصه‌های مشارکتی نشان می‌دهند که نشان‌دهنده جایگاه تأثیرگذار خانواده در این مقوله می‌باشد.

بنابراین، مسئله حائز اهمیت این است که به تحلیل میزان مشارکت اجتماعی در ارتباط با مقوله‌ی ساختار قدرت در خانواده پرداخته شود، زیرا کم و کیف روابط افراد در درون خانواده‌ها، بر نگرش آن‌ها به حضور در فعالیت‌های اجتماعی تأثیرگذار است. نوع نگرش افراد و همچنین تجربه‌ی قبلی از مشارکت در فعالیت‌های گروهی، شرکت در گروه‌های ورزشی، مشارکت در خانواده از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در جهت بالا بردن میزان مشارکت‌های اجتماعی در کرمان می‌باشد. این تحقیق در حوزه جامعه‌شناسی توسعه صورت گرفته است و جهت کاربردی کردن نتایج یک نسخه در اختیار استانداری قرار خواهد گرفت.

مفاهیم خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و مشارکت اجتماعی به‌عنوان یک مؤلفه اساسی زندگی اجتماعی و جامعه مدنی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی به شمار می‌رود؛ مطالعه چگونگی ارتباطات درونی خانواده به‌عنوان نخستین عامل جامعه‌پذیری افراد با پدیده مشارکت اجتماعی، امر مهمی در جامعه‌شناسی خانواده می‌باشد. خانواده از دیدگاهی یک نشان یا نماد اجتماعی شمرده می‌شود و برآیند یا انعکاسی از کل جامعه است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۴).

مشارکت نوعی کنش متقابل است، که به‌نوبه خود در شکل‌دهی زندگی اجتماعی مؤثر است و از گذشته بشر تا به حال مطرح بوده است. مشارکت با مفاهیمی چون همبستگی، اعتماد، همکاری، تعاون، انجمن و ... پیوند دارد که در بطن هر نوع جامعه انسانی قرار دارند. مشارکت شرکت فعالانه انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات است. تشویق به مشارکت و تسهیل در فرایند تحقق آن همواره مورد توجه برنامه‌ریزان و مصلحان اجتماعی بوده است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱).

از آنجاکه همیاری، تعاون و مشارکت در خانواده، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و شرکت در گروه‌های ورزشی در کرمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است محقق سعی دارد با کنکاش پیرامون این موارد و ارتباط آن‌ها با ساختار قدرت در خانواده گامی مؤثر جهت افزایش مشارکت‌های اجتماعی در روستاها و شهر بردارد، زیرا کاهش مشارکت‌های اجتماعی موجب آسیب‌های سنگینی در جامعه می‌باشد. لازم است کنکاشی صورت گیرد که چرا در حال حاضر نسبت به گذشته مشارکت اجتماعی کمتر و به نظر می‌رسد آینده وضعیت وخیم‌تر شود. در روابط خانوادگی، قدرت مفهومی است که از راه رفتارهای عینی اعضاء قابل مشاهده است مانند حق انتخاب، حق اظهارنظر، مشورت اعضا باهم و در کل شاخص عمده‌ی تعیین میزان قدرت زن و شوهر در روابط متقابلشان، الگوی مشارکت در تصمیم‌گیری است، با توجه به نقش قابل ملاحظه ساختار توزیع قدرت در خانواده و انواع آن مانند ساخت قدرت دموکراتیک («متقارن» بودن خانواده)، ساخت قدرت استبدادگر («نامتقارن» بودن آن) در تعیین کنش‌های انسانی و اجتماعی، می‌توان گفت که مسئله اصلی این تحقیق، ساختار توزیع قدرت و ابعاد آن در خانواده‌های شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن است که تغییرات آن مشارکت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، تحلیل میزان مشارکت اجتماعی در ارتباط با مقوله‌ی ساختار قدرت در خانواده مقوله‌ای حائز اهمیت است. در این مطالعه متغیر مستقل ساختار توزیع قدرت در خانواده و ابعاد آن، مشارکت اجتماعی و تغییرات آن به‌عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق تلقی شده است. لذا سؤال اساسی که در این تحقیق باید به آن پاسخ داده شود: آیا ساختار قدرت در خانواده، میزان مشارکت اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ برای پاسخگویی به این سوال مروری بر مبانی تجربی و نظری جهت تدوین مدل تحلیلی تحقیق ضروری است.

سیدانیوس پنا (۲۰۰۱) در مقاله‌ای به بررسی اثر ماهیت جنسیتی ساختار خانواده بر نگرش‌های ضد برابر گرایی گروه‌محور پرداخته‌اند. در این مطالعه اکثر پاسخ‌گویان به الگوی مشارکتی یا متقارن تصمیم‌گیری میان والدین خود معتقد بودند. نتایج تبیینی تحقیق حاکی از این است که کودکان خانواده‌هایی که با پدر تنها زندگی می‌کردند، بالاترین میزان ضد مساوات‌طلبی را داشتند و کودکان خانواده‌هایی که با مادر تنها زندگی می‌کنند، کم‌ترین میزان ضد مساوات‌طلبی را داشتند. کودکانی که با هر دو والدین زندگی می‌کردند در میانه طیف جا می‌گیرند.

سیکوک نانی و دیگران (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان تفاوت‌های جنسیتی در مشارکت و درگیری‌های سیاسی جوانان با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر این است که شکاف جنسیتی در جهت علایق سیاسی و استفاده از اینترنت برای مشارکت سیاسی تأثیر چندانی بر فعالیت سیاسی و علایق حزبی نداشته است. مشارکت و درگیری سیاسی و اجتماعی جوانان از مشارکت والدینشان و مشارکت مدنی و مشارکت اجتماعی همسالان (به‌ویژه در بین پسران) تأثیر می‌پذیرد.

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

کریمی (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت اجتماعی در میان نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه قم پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که هراندازه قدرت در خانواده به سمت ساختار مشارکتی میل کند، میزان مشارکت افراد نیز افزایش می‌یابد. همچنین مقایسه‌های زوجی حاکی از معنادار بودن تفاوت میزان مشارکت اجتماعی در بین هر یک از گونه‌های ساختار قدرت در خانواده دارد. در تحلیل رگرسیون از بین تمامی متغیرهای مستقل وارد شده تحقیق، تنها ساختار قدرت در خانواده و مشارکت در کودکی و نوجوانی تأثیر معناداری را بر مشارکت اجتماعی داشتند. از طرفی دیگر نیز با افزایش میزان مشارکت در دوران کودکی و نوجوانی، میزان مشارکت اجتماعی افراد در بزرگسالی افزایش می‌یابد.

گروسی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان. جامعه آماری ۶۸۲ نفر از زنان همسر دار شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن به شیوه پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که دسترسی زنان به منابعی مانند تحصیلات، اشتغال و درآمد باعث بهبود موقعیت آن‌ها در ساختار قدرت در خانواده می‌شود. همچنین قرار گرفتن زنان در حیطه کار بیرون از منزل و رقابت با مردان در حیطه کار و اشتغال، هرم قدرت در خانواده را به نفع زنان بهبود بخشیده و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری و نقش مردان را در ایجاد تقسیم‌کار عادلانه‌تر در انجام کارهای خانه افزایش داده است. بین توانایی زنان و مردان و برخی عوامل زمینه‌ای دیگر رابطه‌ای معنادار وجود دارد.

ساروخانی و دودمان (۱۳۸۹) در مقاله مشترک خود با عنوان: ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز. جامعه آماری افراد ۲۵ ساله به بالا به روش پیمایش صورت گرفته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که نظام قدرت در خانواده دارای ساختار قدرت متقارن نسبی است. یعنی تصمیمات اصلی در خانواده توسط پدر و مادر صورت گرفته و از فرزندان مشورتی گرفته نمی‌شود. در کل میزان مشارکت اجتماعی در بین خانواده‌های شیرازی پایین است و بین ساختارهای قدرت در خانواده از نظر میزان مشارکت اجتماعی تفاوت چندانی وجود ندارد.

ثقفی نژاد، پورکسمایی و فلاحی گیلانی (۱۳۹۰) در مطالعه خود تحت عنوان: تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت سیاسی و اجتماعی در بین نمونه‌ای از زنان جوان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران به روش پیمایش و با استفاده از تکنیک پرسشنامه پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که اکثریت پاسخگویان در خانواده‌های سنتی و با الگوی غیر دموکراتیک زندگی می‌کنند، در نهایت هر چه ایدئولوژی و تقسیم‌کار جنسی در خانواده‌ها سنتی‌تر، سلطه‌جویی در خانواده بیشتر و الگوی تصمیم‌گیری غیر دموکراتیک، لذا مشارکت سیاسی و اجتماعی کمتر می‌شود.

حسین پناهی و تاج‌الدینی (۱۳۹۲) در مطالعه خود تحت عنوان بررسی ساختار خانواده (اقناع‌گرا) بر مشارکت اجتماعی دانشجویان در بین نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان که به روش پیمایش و

با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام داده اند. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که هرچه اقناع‌گرایی در خانواده افزایش می‌یابد میزان مشارکت اجتماعی افزوده می‌شود.

وان گرانوودینگ (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی جوانان و بزرگسال ۶۰-۱۹ سال. در سال‌های ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۲ پرداخته است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که مشارکت غیررسمی با تفاوت‌های نسلی رابطه دارد. در بین سال‌های ۱۹۹۲ الی ۲۰۰۲ در همه‌ی شکل‌های مشارکت اجتماعی به‌استثنای مشارکت مذهبی افزایش وجود داشته است.

اسفجیر عباس و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی ساختار توزیع قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان استان گلستان) پرداختند. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که میانگین تمایل به مشارکت اجتماعی عینی ۳/۴۰۲ از ۵ یعنی بیش‌ازحد متوسط و میانگین تمایل به مشارکت اجتماعی ذهنی ۲/۴۸۸ از ۵ یعنی کمتر از حد متوسط است. همچنین نتایج نشان داد که در خانواده‌هایی با ساختار متقارن (دموکراتیک)، مشارکت اجتماعی در هر دو بُعد عینی و ذهنی، رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد درحالی‌که در خانواده‌هایی با ساختار قدرت نامتقارن (استبدادی) مشارکت اجتماعی در هر دو بُعد عینی و ذهنی رابطه منفی معنی‌داری دارد.

مروری بر مبانی نظری پژوهش بیانگر این است که نقش و تأثیر خانواده در پرورش شهروندان آینده همواره موضوع بحث اندیشمندان علوم اجتماعی است، چون همانند آینه‌ای عناصر اصلی جامعه را در خود دارد، گذشته از این خانواده از اهم موارد مؤثر بر جامعه است. هرگز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند به‌سلامت برسد مگر آنکه از خانواده‌هایی سالم برخوردار باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۶).

رایبسون نیز به خانواده «به‌عنوان مهم‌ترین عامل فرایند اجتماعی شدن» می‌نگرد (باربوزا و ویلیام، ۲۰۰۴: ۴). «مضامین خانوادگی دلالت‌های مهمی برای مشارکت در عرصه اجتماعی دارد. با آنکه از والدین انتظار می‌رود برحسب عادت قواعد را به کودکان آموزش دهند، امروزه تأکید بیشتر بر روی ماهیت و محیط اجتماعی کردن متمرکز است. استدلال این است که اساس نگرش‌ها نسبت به خود و دیگران در خانواده شکل می‌گیرد، هر شخصی دیدگاهی نسبت به جهان اتخاذ می‌کند به‌گونه‌ای که چارچوبی برای وی فراهم می‌کند تا هر اتفاقی را بتواند تفسیر نماید. برگر و کلنر خانواده را به‌عنوان یک «نهاد ساخت واقعیت» توصیف می‌کنند. برگر از این فراتر رفته و مدعی است که هر خانواده دیدگاه منحصر به فرد خود نسبت به جهان را داراست (نولر و کالن، ۱۹۹۱: ۸۳).

بنیاد نظریه منابع برای توزیع قدرت در خانواده، برحسب منابعی است که هر یک از زن و شوهر در ازدواج به خانواده آورده‌اند این منابع ارزشمند به‌طور اخص، تحصیلات، شغل و قدرت مالی هر یک از زن و شوهر،

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

سن و طول مدت ازدواج می‌باشد که به میزان برخورداری از این منابع، دارای قدرت تصمیم‌گیری در خانواده هستند (ریتز، ۱۳۸۷: ۴۴۲).

اساس نظریه مبادله در این است که نابرابری در منابع تولید، باعث تمایز و تفاوت در قدرت کنش‌گران می‌شود. از نظریه پردازان مبادله می‌توان از پیتر بلا نام برد، بلا به‌مانند هومنز ماهیت و ریشه تضاد و قدرت را در ارائه خدمات ارزشمند یک‌طرفه می‌داند، به طوری که نتیجه این مبادله عدم توازن است. بلا معتقد است به چیزی از آن دیگری نیاز داشته باشد، اما برای جبران آن نتواند چیزی قابل مقایسه ارائه کند، چهار صورت مطرح می‌شود: نخست انسان‌ها می‌توانند به‌زور دیگران را وادار به کمک کنند، دوم: آن‌ها می‌توانند برای رفع نیازهایشان به منبعی دیگر رجوع کنند، سوم: آن‌ها می‌توانند بدون آن چیزی که باید از دیگران به دست بیاورند، گلیمشان را از آب بیرون بکشند، سرانجام و از همه مهم‌تر آنکه می‌توانند خودشان را تابع دیگران کنند و از این طریق، اعتبار تعمیم‌یافته در روابطشان را تابع دیگران کنند و از این طریق، اعتبار تعمیم‌یافته در روابطشان را به دیگران واگذار کنند. دیگران نیز هرگاه خواسته باشند آن‌ها برایشان کاری انجام دهند، روی این اعتبار حساب باز می‌کنند که این صورت چهارم همان ویژگی اساسی قدرت در یک رابطه است» (همان: ۴۳۵) بنیادی‌ترین اندیشه زیر ساز مشارکت را می‌توان اصل برابری انسان‌ها به شمار آورد که اگر مردم در مشارکت با یکدیگر از وزن یکسانی برخوردار باشند، موجبات بهره‌مندی‌های بسیار حاصل خواهد شد. مفهوم مشارکت می‌تواند بر سه ارزش بنیادی قرار گیرد: ۱- سهم کردن زنان و مردان در قدرت و اختیار ۲- اجازه دادن به مردم به نظارت بر سرنوشت خویش. ۳- گشودن راه پیشرفت بر روی همه مردم اعم از زن و مرد (افتخار، ۱۳۷۸: ۴۲).

مشارکت پدیده‌ای است که از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته و همواره با تکامل او تحول یافته است، اما در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یعنی زمانی که برنامه‌های وارد شده از غرب برای توسعه، به دلیل عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی شکست خورد، توجه به این پدیده و تأکید بر نقش آن، به‌عنوان یکی از عوامل توسعه، بیشتر شد و از آن پس بنای راهبردی توسعه، بر رویکرد مشارکت مردمی، به‌عنوان نیاز اصلی بشر، صورت گرفت (وحید، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

خانواده به‌عنوان نهادی اجتماعی، هسته نخستین پیوند اجتماعی انسان را بنیان می‌نهد و با تأمین مجموعه‌ای از نیازهای انسانی، عهده‌دار نقش‌ها و کارکردهای ویژه‌ای است. مشارکت‌پذیری اعضای خانواده به‌عنوان نیاز اجتناب‌ناپذیر عصر ما، همه‌ی ابعاد انسانی را در سطوح مختلف فکری، عاطفی و رفتاری تحت پوشش قرار می‌دهد و در به ثمر رساندن اهداف خانواده حائز اهمیت است (آقاجانی، ۱۳۸۱: ۵۲).

با توجه به آنچه در مبانی نظری و تجربی پژوهش ذکر گردید پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به فرضیه‌های ذیل تدوین شده است:

- ۱- به نظر می‌رسد بین تعیین محل سکونت و میزان مشارکت رابطه وجود دارد
- ۲- به نظر می‌رسد بین مشورت با اعضای خانواده در امورات مهم و میزان مشارکت رابطه وجود دارد
- ۳- به نظر می‌رسد بین حق انتخاب و میزان مشارکت رابطه وجود دارد
- ۴- به نظر می‌رسد بین حق اظهار نظر و میزان مشارکت رابطه وجود دارد
- ۵- به نظر می‌رسد با بالا رفتن میزان قدرت همه‌جانبه در خانواده، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد.

روش

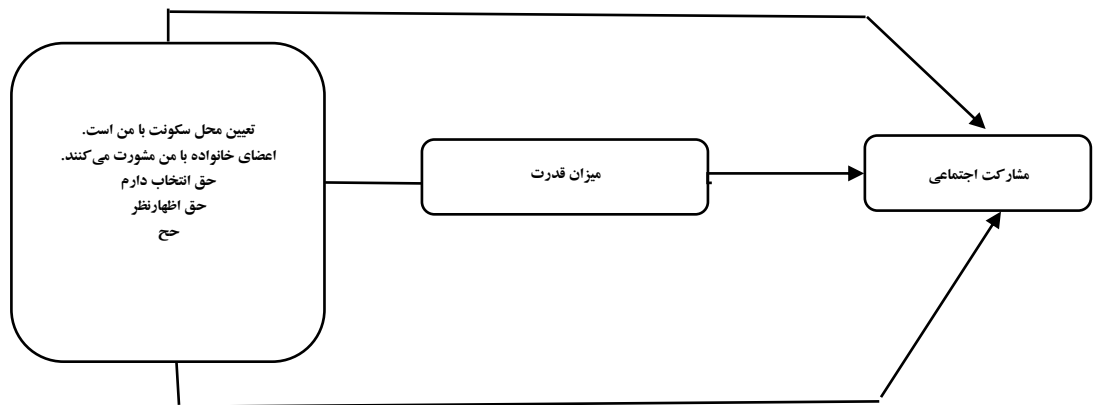
در این تحقیق، محقق از روش پیمایش استفاده کرده است. این مطالعات از دو مرحله تشکیل شده است

- ۱- مشاهده دقیق و نزدیک پارامترهای موردپژوهش در جامعه ۲- جمع آوری اطلاعات و معنا دادن به آنچه مورد مشاهده قرار گرفته است. پیمایش روشی در تحقیق اجتماعی است که جهت گردآوری اطلاعات عمدتاً از پرسشنامه استفاده می‌شود، اما از فنون دیگری از جمله مصاحبه و مشاهده هم می‌توان استفاده کرد (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳). جامعه آماری مورد مطالعه خانوارهای شهرستان کرمان و روستاهای اطراف آن می‌باشند. جامعه آماری، شهر کرمان ۷۲۲۴۸۴ نفر و تعداد خانوار ۱۹۹۳۲۲ است. با توجه به فرمول کوکران و احتمال خطا $d^2 = 0/05$ حجم نمونه در شهر ۳۸۴ به دست آمده است. جامعه آماری، روستاهای شهر کرمان ۱۰۱۱۱۰ نفر و تعداد خانوار ۲۷۹۳۳ است. با استفاده از آماره کوکران $n = \frac{pqNT^2}{Nd^2 + Pqtz}$ و احتمال خطا $d^2 = 0/09$ حجم نمونه در روستا ۱۱۸ به دست آمده است. روش نمونه‌گیری: خوشه‌ای و تصادفی می‌باشد. جهت تبدیل متغیرهای کیفی به کمی از طیف لیکرت استفاده شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای: ابتدا جامعه تحقیق (کرمان) به چهار قسمت تقسیم شده (شمال - جنوب - غرب و شرق) سپس از هر منطقه، چند محله و از هر محله چند کوچه و به صورت نمونه‌گیری تصادفی از هر کوچه به طریق قرعه‌کشی خانوارها انتخاب می‌شوند. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه و برای پردازش داده‌ها از آمارهای توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. محقق جهت تجزیه و تحلیل آماری از آزمون‌های توصیفی و تبیینی استفاده کرده است، ابتدا توسط آمارهای توصیفی جهت توصیف داده‌ها و از آمارهای تبیینی جهت تبیین داده‌ها استفاده کرده است، آمارهای تبیینی که محقق استفاده کرده است عبارت‌اند: (ضریب همبستگی کرامر، تی مستقل، تحلیل عامل و رگرسیون).

تعاریف عملیاتی متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) و متغیر مستقل (میزان قدرت در خانواده): مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی: ۱- همیاری و تعاون در جهت رسیدن به اهداف عالی در جامعه. ۲- مشارکت در خانواده

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

رکن اساسی است. ۳- لازم است در فعالیتهای اجتماعی شرکت کرد. ۴- به نظر من باید در گروههای ورزشی شرکت نمود. مؤلفههای میزان قدرت در خانواده: ۱- تعیین محل سکونت با من است. ۲- اعضای خانواده در انجام امور مهم با من مشورت می کنند. ۳- در خانوادهام دارای حق انتخاب هستم. ۴- در خانوادهام دارای حق اظهار نظر هستم.



نمودار (۱): مدل مفهومی پژوهش

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ بر اساس جدول شماره یک، بیشترین فراوانی سن در جامعه شهری مختص سن زیر پنجاه سال ۳۲۱ نفر و در روستا بیشترین فراوانی مختص سن بالای پنجاه سال ۸۱ نفر، راجع به جنس بیشترین فراوانی در جامعه شهری مردان ۲۳۴ نفر و در روستا بیشترین فراوانی مختص مردان با ۷۲ نفر است. راجع به تحصیلات بیشترین فراوانی در شهر مختص افراد بالای لیسانس ۲۷۸ نفر و در روستا بیشترین فراوانی ۹۸ نفر زیر لیسانس، راجع به شغل بیشترین فراوانی در شهر ۱۹۲ نفر دارای شغل دولتی و در روستا بیشترین فراوانی ۸۰ نفر دارای شغل غیردولتی بوده‌اند، راجع به درآمد بیشترین فراوانی در شهر ۲۵۸ نفر با درآمد بالای ۱۵۰۰۰۰۰ و در روستا بیشترین فراوانی ۶۶ نفر دارای درآمد زیر ۱۵۰۰۰۰۰ می‌باشند.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره پنجاه و ششم، بهار ۱۳۹۷

جدول (۱): وضعیت متغیرهای زمینه‌ای

شماره	متغیرهای زمینه‌ای	شهر	روستا
۱	سن	۳۲۱	۳۷
		-۵۰	
۲	جنسیت	۶۳	۸۱
		۲۳۴	۷۲
۳	تحصیلات	۱۰۵	۹۸
		۲۷۸	۲۰
۴	شغل	۱۹۲	۳۸
		۱۸۶	۸۰
۵	درآمد	۲۵۸	۵۲
		+۱۵۰۰۰۰۰	
		۱۲۳	۶۶
		-۱۵۰۰۰۰۰	

جدول (۲): مقایسه توصیفی متغیرهای مفهومی شهر و روستا

ردیف	متغیر	شهر		روستا	
		کاملاً موافقم	بی‌نظر	کاملاً مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	همیاری و تعاون	۱۰/۲	۳/۹	۱۶/۹	۶/۸
۲	مشارکت در خانواده	۳۸/۳	۰/۸	۵۴/۲	۵/۱
۳	شرکت در فعالیت‌های اجتماعی	۱۵/۵	۹/۴	۲۰/۳	۱۳/۶
۴	شرکت در گروه‌های ورزشی	۳۵/۲	۶/۳	۲۰/۳	۲۲
۵	تعیین محل سکونت	۳۵/۲	۹/۱	۴۴/۱	۳۹
۶	مشورت اعضا با من	۳۶/۷	۸/۶	۴۰/۷	۳/۴
۷	حق انتخاب در خانواده	۵۲/۱	۶	۴۰/۷	۱۰/۲
۸	حق اظهارنظر در خانواده	۵۴/۷	۷	۴۲/۴	۱۳/۶

بر اساس جدول شماره ۲: در خصوص متغیر همیاری و تعاون در جامعه شهری بیشترین درصد مختص گزینه مخالفم با درصد ۳۵/۹ و در جامعه روستایی بیشترین درصد مختص گزینه موافقم با ۶۱ درصد است. در خصوص متغیر مشارکت در خانواده در جامعه شهری بیشترین درصد مختص گزینه موافقم با درصد ۵۷ است و در جامعه روستایی بیش‌ترین درصد مختص گزینه کاملاً موافقم با درصد ۵۴/۲ است. در خصوص متغیر شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در جامعه شهری بیش‌ترین درصد مختص گزینه موافقم با درصد ۴۱/۴ و در جامعه روستایی بیش‌ترین درصد مختص گزینه بی‌نظر با درصد ۳۵/۶ است. در خصوص شرکت در گروه‌های ورزشی در جامعه شهری بیش‌ترین درصد مختص گزینه کاملاً موافقم با درصد ۳۵/۲ و در جامعه روستایی کاملاً مخالفم. در خصوص تعیین محل سکونت بیشترین درصد مختص گزینه موافقم با درصد ۴۰/۳ و در روستا بیشترین درصد مختص گزینه کاملاً موافقم با درصد ۴۴/۱. در خصوص گزینه مشورت

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

اعضا بیشترین درصد مختص گزینه موافقم با درصد ۳۹/۹ و در روستا بیشترین گزینه مختص موافقم با درصد ۴۴/۱ است. در خصوص گزینه حق انتخاب بیشترین درصد مربوط به گزینه کاملاً موافقم با درصد ۵۲/۱ است و در روستا بیشترین درصد مربوط به گزینه موافقم با درصد ۴۰/۷ می‌باشد. در خصوص گزینه حق اظهار نظر بیشترین درصد مربوط به گزینه کاملاً موافقم با درصد ۵۴/۷ است و در روستا بیشترین درصد مربوط به گزینه کاملاً موافقم با درصد ۴۲/۴ است.

جدول (۳): بر اساس توصیف میزان مشارکت و میزان قدرت

شماره	متغیر	شهر		روستا			
		بالا	متوسط	پایین	بالا	متوسط	پایین
۱	میزان مشارکت	۴۵/۳	۴۵/۳	۹/۴	۵۰/۸	۴۹/۲	-
۲	میزان قدرت	۱۵/۵	۷۲/۷	۱۰/۹	۲۵/۵	۲۲	۵۲/۵

بر اساس جدول شماره سه: بالاترین گزینه مختص میزان مشارکت در شهر گزینه بالا با درصد ۴۵/۳ و در روستا مختص گزینه بالا با درصد ۵۰/۸ و راجع به میزان قدرت بالاترین گزینه در شهر مختص گزینه متوسط با درصد ۷۲/۷ است در حالی که در روستا بالاترین گزینه مختص گزینه پایین با درصد ۵۲/۵ است.

یافته‌های استنباطی؛

جدول (۴): میزان همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای و میزان مشارکت اجتماعی

ردیف	متغیر	شهر		روستا	
		مقدار ضریب	سطح	مقدار ضریب	سطح
۱	جنسیت	۰/۲۳	۰/۰۰۹	۰/۳۱۴	۰/۱
۲	شغل	۰/۱	۰/۰۳	۰/۲۳۴	۰/۰۱
۳	درآمد	۰/۱	۰/۱	۰/۱۹	۰/۰۳
۴	تحصیلات	۰/۲	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	۰/۰۱

با توجه به جدول شماره چهار با توجه به Sig حاصل در شهر بین جنسیت، شغل و تحصیلات با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد و در روستا بین شغل، درآمد و تحصیلات با مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۵): میزان همبستگی بین متغیرهای ساختار قدرت در خانواده و میزان مشارکت اجتماعی

شماره	مؤلفه‌های میزان قدرت	شهر		روستا	
		مقدار ضریب	سطح	مقدار ضریب	سطح
۱	تعیین محل سکونت	۰/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۰/۰۰۰
۲	مشورت با اعضای خانواده در انجام امورات مهم	۰/۲	۰/۰۵	۳/۶۰	۰/۰۰۰
۳	حق انتخاب	۰/۲	۰/۰۰۰	۰/۵۴	۰/۰۰۰
۴	حق اظهار نظر	۰/۲	۰/۰۰۰	۰/۵۸	۰/۰۰۰
۵	میزان قدرت	۰/۴۶	۰/۰۰۰	۰/۳۳۸	۰/۰۰۰

بر اساس جدول شماره ۵: بین تعیین محل سکونت، مشورت با اعضای خانواده، حق انتخاب، حق اظهار نظر و میزان قدرت با میزان مشارکت اجتماعی در شهر و روستا با توجه به Sig حاصل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۶: پیش‌بینی واریانس مشارکت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل درون معادله

شماره	مؤلفه‌های قدرت	شهر			روستا		
		B	beta	sig	B	beta	sig
۱	تعیین محل سکونت	۰/۰۳۶	۱	۰/۰۲	۰/۰۶۱	۰/۱۴۷	۰/۲
۲	مشورت با اعضای خانواده	۰/۰۹۰	۰/۱۹۷	۰/۰۱	۰/۱۰۷	۰/۰۵۲۴	۰/۱
۳	حق انتخاب	۰/۱۴۱	۰/۲۹۴	۰/۰۰۳	۰/۱۸۷	۰/۴۰۲	۰/۲
۴	حق اظهار نظر	۰/۰۲۴	۰/۰۴۶	۰/۰۵	۰/۴۸۵	۱/۰۷	۰/۰۰۱
۵	میزان مشارکت	--	--	۰/۰۰۰	۰/۰۶۴	--	۰/۰۰۰

بر اساس جدول شماره ششم: در جامعه شهری ۰/۰۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) توسط سایر متغیرهای مستقل تبیین می‌شود در حالی که در جامعه روستایی ۳۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط چهار متغیر مستقل تبیین شده است.

جدول (۷): مؤلفه‌های متغیر وابسته در شهر و روستا

شماره	مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی	شهر		روستا	
		mean	t	mean	t
۱	همیاری و تعاون	۳/۷۳	-۰/۰۰۰	۳/۸۱	-۰/۰۰۰
۲	مشارکت در خانواده رکن اساسی است	۴/۲۹	۰/۷	۴/۴۹	-۰/۷۳۸
۳	لازم است در فعالیت‌های اجتماعی شرکت کرد	۳/۲۹	-۱/۸	۳/۵۲	-۰/۰۰۰
۴	گروه‌های ورزشی	۳/۹۲	۹/۰۱	۲/۸۳	-۰/۰۰۰

با توجه به جدول شماره هفت، بین همیاری و تعاون، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و شرکت در گروه‌های ورزشی در شهر و روستا با توجه به Sig=۰/۰۰۰ حاصل تفاوت معنادار است.

جدول (۸): بر اساس مؤلفه‌های میزان قدرت

شماره	مؤلفه‌های میزان قدرت در خانواده	شهر			روستا		
		mean	T	sig	mean	t	sig
۱	تعیین محل سکونت	۳/۰۷	-۶/۹	۰/۰۰۰	۳/۰۵	-۷/۳	۰/۰۰۰
۲	اعضای خانواده‌ام در انجام امور مهم با من مشورت می‌کنند	۳/۹۵	-۰/۶	۰/۸	۴/۰۳	-۰/۶	۰/۸۰۷
۳	در خانواده‌ام دارای حق انتخاب هستم	۴/۱۸	۱/۳۶	۰/۲	۴/۰۳	۱/۲۳	۰/۲
۴	در خانواده‌ام دارای حق اظهار نظر هستم	۴/۳۲	۲/۷۷	۰/۲۴	۴/۰۳	۲/۵۴	۰/۲۴

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

در جدول شماره هشت: نتایج حاصل گویای آن است که میانگین‌های تعیین محل سکونت در شهر و روستا با توجه به sig حاصل تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.

جدول (۹): تحلیل عامل (KMO)

متغیر	KMO	Sig	df
مشارکت اجتماعی در شهر	۰/۵۹۳	۰/۰۰۰	۶
مشارکت اجتماعی در روستا	۰/۵۵۷	۰/۰۰۰	۶
قدرت در شهر	۰/۷۷۴	۰/۰۰۰	۶
قدرت در روستا	۰/۷۷۳	۰/۰۰۰	۶

بر اساس نتایج آزمون KMO که مقدار آن مربوط به داده‌های مقیاس مشارکت اجتماعی و قدرت در شهر و روستا نشان می‌دهد که داده‌های تحقیق قابل تقلیل به تعدادی عامل‌های زیر بنایی و بنیادی است.

جدول (۱۰): بر اساس میانگین نمره میزان قدرت در شهر و روستا

شماره	متغیر	شهر (میزان قدرت)			روستا (میزان قدرت)		
		T	mean	sig	T	mean	Sig
۱	مرد	۱/۸۵	۱۵/۸۰	۰/۰۰۶	۵/۵	۱۷/۷۲	۰/۰۰۰
۲	زن	۱/۷۲۵	۱۵/۱۰	۰/۰۰۸	۴/۷	۱۳/۶۹	۰/۰۰۰

بر اساس جدول فوق در روستا میانگین‌های دو گروه مردان (نمره ۱۷ از ۲۰) و زنان (۱۳ از ۲۰) تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در میانگین نمره میزان قدرت در زنان و مردان مشابه نیستند که نشان‌دهنده قدرت نامتقارن در روستا است. در جامعه شهری میانگین‌های دو گروه مردان (نمره ۱۵/۶ از ۲۰) و زنان (۱۵/۱ از ۲۰) تفاوت معناداری با یکدیگر نداشته و این دو گروه از نظر میانگین نمره قدرت مشابه هستند، که نشان‌دهنده قدرت متقارن نسبی در جامعه شهری است.

جدول (۱۱): میانگین نمره میزان مشارکت در شهر و روستا

میزان مشارکت	تعداد	Mean	Sig	T
شهر	۳۸۴	۱۵/۲۵	۰/۰۰۴	۱/۹۸
روستا	۱۱۸	۱۴/۶۶	۰/۰۰۴	۲/۰۵

بر اساس جدول شماره ۱۱: برحسب میزان میانگین در شهر و روستا با توجه به sig حاصل تفاوت معناداری وجود دارد. نمره میانگین در شهر ۱۵/۲۵ از ۲۰ و در روستا ۱۴/۶۶ از ۲۰ است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس فرضیه اول بر اساس رابطه تعیین محل سکونت و میزان مشارکت اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به sig حاصل ۰/۰۰۱ رابطه بین دو متغیر معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی کندال ۰/۱۵ که نشان می‌دهد این همبستگی به صورت ضعیف است و در جامعه روستا با توجه به $sig = ۰/۰۰۰$ رابطه معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی ۰/۴۸ همبستگی ضعیف تا متوسط است.

بر اساس فرضیه دوم مشورت اعضای خانواده در انجام امورات مهم و مشارکت اجتماعی با توجه به sig حاصل ۰/۰۵ رابطه معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی کندال که ۰/۲ است همبستگی ضعیف است و در روستا با توجه به $sig = ۰/۰۰۰$ رابطه معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی ۰/۳۶ همبستگی ضعیف تا متوسط است.

بر اساس فرضیه سوم رابطه حق انتخاب و میزان مشارکت در جامعه شهری با توجه به $sig = ۰/۰۰۰$ رابطه معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی کندال ۰/۲ همبستگی ضعیف است، در روستا رابطه بین حق انتخاب و میزان مشارکت با توجه به $sig = ۰/۰۰۰$ معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی ۰/۵۴ همبستگی متوسط است.

بر اساس فرضیه چهارم رابطه حق اظهار نظر و میزان مشارکت اجتماعی به این نتیجه می‌رسیم که با توجه به sig حاصل ۰/۰۰۰ رابطه معنادار است و با توجه به ضریب همبستگی کندال ۰/۲ همبستگی ضعیف و در روستا رابطه بین دو متغیر حق اظهار نظر و میزان مشارکت بر اساس sig حاصل ۰/۰۰۰ رابطه معنادار است و بر اساس ضریب همبستگی کندال که برابر است با ۰/۵۸، همبستگی در حد متوسط است.

با توجه به فرضیه پنجم، به نظر می‌رسد با بالا رفتن میزان قدرت همه‌جانبه در خانواده، میزان مشارکت اجتماعی افزایش می‌یابد، طبق آماره تی مستقل تفاوت معناداری بین تغییرات ساختار قدرت در خانواده و میزان مشارکت اجتماعی در شهر و روستا مشاهده می‌شود. در شهر قدرت همه‌جانبه و متقارن است که پیرامون آن مشارکت اجتماعی بالا است. در جامعه روستایی قدرت یک‌جانبه و پدرسالار است که پیرامون آن مشارکت اجتماعی نسبت به جامعه شهری کمتر است.

با توجه به میانگین نمره قدرت، در شهر مردان از نمره ۲۰ نمره ۱۵/۸ و زنان از نمره ۲۰ دارای نمره ۱۵/۱ می‌باشند، لذا تفاوت معنادار نیست. لذا قدرت در بین زنان و مردان در شهر به شکل متقارن نسبی بوده است، در ساخت قدرت متقارن نسبی تقریباً تصمیم‌گیری به‌طور یکسان بین پدر و مادر تقسیم شده است، ویژگی اساسی این ساخت قدرت مشارکت هر دوی والدین در تصمیم‌گیری‌ها است، در این ساخت ممکن است فرزندان بتوانند نظراتشان را بیان کنند ولی در نهایت تصمیم‌گیری با والدین است، ساخت قدرت متقارن نسبی واجد درجاتی از برابری و مشارکت بوده و از انعطاف‌ناپذیری دو نوع اول ساخت قدرت به دور است، این

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

ساخت، متقارن است چراکه هر دوی والدین در تصمیم‌گیری‌ها سهیم‌اند و نسبی است چراکه در آن تصمیم‌گیری‌ها با محوریت والدین صورت می‌گیرد و فرزندان را در برنمی‌گیرد، پیرامون آن مشارکت اجتماعی در شهر از میانگین نمره بالاتری نسبت به مشارکت اجتماعی در روستا برخوردار بوده است. در جامعه آماری فوق در روستاهای کرمان میانگین نمره قدرت مردان از ۲۰ دارای ۱۷/۷ و میانگین نمره زنان از ۲۰ دارای ۱۳/۷ است، با توجه به معناداری تفاوت میانگین، ساخت قدرت در روستا یک‌جانبه و پدر محور بوده است، در ساخت قدرت یک‌جانبه پدر محور، پدر، محور تصمیم‌گیری‌ها است و در اکثر موارد حرف نهایی را می‌زند.

به عبارت دیگر در این ساخت پدر دارای بیشترین قدرت تصمیم‌گیری است و اکثراً به‌تنهایی تصمیم‌گیری می‌کند. میانگین نمره مشارکت اجتماعی در شهر ۱۵/۲۵ از ۲۰ و در روستا ۱۴/۶۶ از ۲۰ بوده است که پیرامون آن مشارکت اجتماعی در جامعه شهری نسبت به جامعه روستایی افزایش داشته است زیرا ساخت قدرت متقارن نسبی بوده است و خانواده‌ها توانسته‌اند مشوقی باشند جهت حضور فرزندان در مشارکت‌های اجتماعی، در نتیجه طبق نظریه دورکیم هر چه جامعه از حالت سنتی (مکانیکی) به سمت جامعه صنعتی (ارگانیکی) می‌رود، انسجام در آن افزایش می‌یابد، مانند جامعه مذکور که هر چه از روستا به سمت شهر سوق داده می‌شود قدرت در خانواده متقارن‌تر و پیرامون آن مشارکت‌های اجتماعی افزایش می‌یابد.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر در جهت افزایش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان ارائه می‌شود:

- خانواده با مشارکت دادن اعضای خود در فرایند تصمیم‌گیری و شکست انحصار قدرت یک‌جانبه پدر یا مادر محور و اتخاذ استراتژی مدیریت مشارکتی می‌توانند از تمام پتانسیل اعضای خود در راستای عزت‌نفس و خودباوری گام برداشته و زمینه حضور اعضا را در شبکه‌های اجتماعی فراهم سازند. با توزیع قدرت در میان اعضا و دخالت دادن آن‌ها در امور و حرکت به سمت قدرت غیرمتمرکز از انحصاری شدن قدرت و تولید بازتولید یک‌جانبه آن جلوگیری کنند. از کنشگری که در چنبره ساخت قدرت مآبانه خانواده گرفتار است نمی‌توان انتظار ارتقاء کم و کیف روابط حسنه اجتماعی داشت چون دینامیسم اعمال قدرت در افزایش مشارکت در کنشگران بشدت مؤثر است.

- خانواده‌ها باید در جهت کسب رویکرد منطقی و عقلانی در مواجهه با تغییرات فرارو گام برداشته و انرژی و پتانسیل خانواده را مصروف جبهه‌گیری و مقاومت در برابر ایده‌ها و اندیشه‌های نو ننمایند، زیرا مقاومت در برابر دستاوردهای مدرنیته چندان نتیجه‌بخش نیست.

- متون درسی در دوران نخستین تحصیل و همچنین دوره میانی باید مشحون از نکات، تصاویر و آموزه‌هایی باشد که انگیزه تعاون را در کودک و نوجوان تقویت، روح خودباوری را شکوفا، ظرفیت پذیرش و تحمل تفاوت‌ها را بالا و حس مشارکت را ترغیب نماید.

- سرمایه‌گذاری دولت در ارائه آموزش به خانواده‌ها می‌تواند در زمینه اجتماعی شدن ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب مشارکت اجتماعی تأثیر دوجانبه داشته باشد زیرا از یک‌سو موجب شکل‌گیری بعد شناختی مشارکت اجتماعی می‌گردد و از سوی دیگر اعتماد مردم به نهادهای دولتی را افزایش می‌دهد.
- تفهیم و آموزش ارزش‌های همکاری و همیاری به خانواده‌ها، چنانچه شیوه‌های آموزش در مدارس مبتنی بر رویکرد همیاری و مشارکت باشد و نظام آموزش بتواند خانواده‌ها را در زمینه مزایای شیوه‌های دسته‌جمعی در راه دستیابی به اهداف توجیه نماید؛ جامعه شاهد خیزش مناسبی در عرصه تولید و بازتولید مشارکت اجتماعی خواهد بود.
- برگزاری و حمایت از همایش‌های ورزشی، فرهنگی در سطح محله، شهر و حتی کشور در این صورت جامعه شاهد حجم بیشتری از مشارکت‌های اجتماعی و مدنی خواهد بود.
- لازم است با صداقت در گفتار و در عمل سطح مشارکت اجتماعی را افزایش داد.
- دولت لازم است در حمایت مردم جهت شرکت در همایش‌هایی چون، همایش‌های ورزشی (راهپیمایی، کوه‌پیمایی، مسابقات) و فرهنگی در سطح محله، شهر و حتی کشور کوشا باشند. در این صورت جامعه شاهد حجم بیش‌تری از مشارکت‌های اجتماعی و مدنی خواهد بود.
- لازم است راهبردهای کلی در جهت افزایش میزان مشارکت اجتماعی صورت پذیرد و مسئولین امر در جهت همگام کردن ارکان، عناصر و مؤلفه‌های معیشتی، مدیریتی، جغرافیایی، جمعیتی و فرهنگی گامی مؤثر بردارند تا شاهد افزایش میزان مشارکت اجتماعی در جامعه شویم مخصوصاً در سطح ساختاری که نیاز به صداقت برای پیشبرد اهداف عالی در جامعه بیشتر احساس می‌شود.
- مدیریت از حالت یک‌سویه و انقیاد خارج شود، بیش‌تر مردم عادت کردند در مشارکت‌های سنتی شرکت کنند که باید با بالا بردن اعتماد اجتماعی از طریق صداقت در گفتار و در عمل، آن‌ها را در سطوح کلان در صحنه آورد.

منابع

- احمدی آهنگ، کاظم. (۱۳۹۱). تأثیر ساختار توزیع قدرت در خانواده بر میزان مشارکت اجتماعی در مناطق روستایی و شهری آمل (پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، بابل‌سرد: دانشگاه مازندران).
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران: روشنفکران. ص ۶۳.

بررسی تطبیقی ساختار قدرت در خانواده و ارتباط آن با میزان مشارکت اجتماعی . . .

- افتخار، رفیع. (۱۳۷۸). جنبه‌هایی از مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی. زن و توسعه. شهریور، دوره ۸، شماره ۶ ص ۴۲.
- آقاجانی، نصرالله. (۱۳۸۱). مشارکت‌پذیری اعضای خانواده. کتاب زنان، ۱۶. ص، ۵۲-۶۴.
- بیرو آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، تهران: کیهان ص ۲۷۵.
- ثقفی نژاد سید محمد، پورکسمایی، مریم، (۱۳۹۰). بررسی تأثیر ساختار قدرت در خانواده بر مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی ایران. ص (۲۹-۴۰)
- حسین پناهی، مهرداد و تاج‌الدین، محمدباقر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ساختار خانواده (اقناع‌گرا) بر مشارکت اجتماعی دانشجویان. مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور همدان. مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. ص ۶۳-۷۴.
- حبیب پور، کرم. صفری، رضا. (۱۳۹۱). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی). تهران: نشر آزادپیم. ص ۱۶۱.
- خوش فر، غلامرضا و محمدی نیا، معصومه (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین ساختار قدرت در نهاد خانواده با نگرش نسبت به سبک زندگی اسلامی مورد مطالعه خانواده‌های ساکن شهر گرگان، چاپ در فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ص ۹۵-۱۲۹.
- دواس، دی.ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، مترجم: هوشنگ نایی. تهران: نشر نی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی. ص ۴۴۲.
- ساروخانی، باقر، پناهی، محمد امیر. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی، پژوهش زنان، دوره ۴، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۵، ص ۳۱-۶۰.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: نشر کیهان. ص ۱۳۴.
- ساروخانی، باقر، دودمان، لیلا. (۱۳۸۹). ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی در شهر شیراز. مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول، پیش‌شماره اول ص ۱۰۵-۱۲۹.
- فراهانی، حجت‌الله، عریضی حمیدرضا. (۱۳۸۸). روش‌های پیشرفته پژوهش در علوم انسانی، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ص ۱۷۳.
- قاسمی، وحید، کاظمی، مه‌ری. (۱۳۸۷). تحلیلی جامعه‌شناختی بر نقش خانواده در میزان برخورداری از سرمایه اجتماعی. مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۸۹-۲۱۸.

- عباسی اسفجیر علی اصغر، خوش فر غلامرضا، شفایی معصومه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه‌ی ساختار توزیع قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: شهروندان استان گلستان، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۳(۷)، ص ۱۵۱-۱۷۹.
- کریمی، داود. (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی: دانشگاه قم)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته: علوم اجتماعی-جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۸). راه سوم بازسازی سوسیال دموکراسی، منوچهر صبوری، تهران: نشر شیراز. ص ۱۰۵.
- گروسی، سعیده. (۱۳۸۷). بررسی ساختار قدرت در خانواده‌های شهرستان کرمان. فصلنامه مطالعات اجتماعی- روان‌شناختی زنان (مطالعات زنان) ۲. ص، ۲۵-۷.
- محمودی، جلال، حکیم پور، سید حکمت. (۱۳۹۱). بررسی نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی (مطالعه موردی دامداران ۱۵ تا ۳۹ ساله شهرستان نور). چاپ در جامعه‌شناسی مطالعات جوانان ۵. ص، ۱۴۸-۱۲۹.
- وحید، فریدون، نیازی، محسن. (۱۳۸۳). تأملی در رابطه بین ساختار خانواده و مشارکت اجتماعی در شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، ص ۱۴۵-۱۱۷.
- Barboza, Iffigenia and Williams, Rohan Lloyd. (2004). The effect of family structure and family capital on the behavior and policy preferences of Latino immigrants in the United States.
- Sidanius, Jim & Pena, Yesilernis. (2001). The Gendered Nature of Family Structure and Group Based Anti-egalitarianism. A Cross National Analysis.
- Noller, Patricia and Victor Callan. (1991) The Adolescent in the Family, Routledge.